

بررسی اعتبار تجربی
تئوری ناکامی -
پرخاشگری، تماشاگران
فوتبال شهر تهران
دکتر محمد مهدی رحمتی

هدف مقاله حاضر واکاوی تجربی یکی از تبیین‌های رایج در خصوص خشونت و پرخاشگری بین طرفداران تیم‌های فوتبال است. در این مقاله، ابتدا پرخاشگری و خشونت ورزشی تعریف و دسته‌بندی می‌شود، سپس با تلقی خشونت و پرخاشگری، به مثابه امری روانی-اجتماعی، تلاش شده است تا با استفاده از تئوری ناکامی - پرخاشگری واکنش‌های طرفداران تیم‌های فوتبال در شهر تهران در مواجهه با وضعیت‌هایی که منجر به ناکامی آنان در دستیابی به هدف‌های ورزشی‌شان می‌شود، تحت بررسی و تحلیل قرار گیرد. فرضیه اصلی پژوهش این است که «ناکامی طرفداران تیم‌های فوتبال در دستیابی به اهداف ورزشی‌شان سبب گرایش آنان به انجام رفتار پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز می‌شود». جمعیت آماری پژوهش حاضر را 284 نفر از طرفداران دو تیم استقلال و پرسپولیس تشکیل می‌دهد و اطلاعات مربوطه با شیوه پیمایش در خلال برگزاری جام برتر باشگاه‌های ایران در سال 81-1382 گردآوری شده است. یافته‌های

* جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان
<mehti_rahmati@Hotmail.com>

پژوهش حاکی از این است که ناکامی تنها بخشی از پرخاشگری و خشونت ورزشی طرفداران تیم‌های فوتبال را در هنگام برگزاری مسابقه تبیین می‌کند.

کلید واژه‌ها: پرخاشگری کلامی، خشونت فیزیکی، ناکامی،

ورزش

تاریخ دریافت مقاله: 1383/5/31 **تاریخ پذیرش مقاله:**

1383/9/9

مقدمه

ورزش سهم عمده ای از زمان و انرژی افراد در جوامع مختلف را به خود اختصاص داده و جایگاه حایز اهمیتی در فرهنگ جوامع پیدا کرده است. در بین فعالیت‌های گوناگون ورزشی در سراسر دنیا، بی‌تردید فوتبال پرطرفدارترین، پربیننده‌ترین و پرمشارکت‌ترین فعالیت ورزشی است و گسترش روزافزون آن سبب شده مرزهای جغرافیایی، نژادی، قومی، سیاسی و عقیدتی را درنوردد. موقعیت تیم‌های فوتبال، ناکامی یا کامیابی آن‌ها در سطوح مختلف محلی، ملی، و بین‌المللی اهمیتی فراوان در بین مردم جوامع مختلف پیدا کرده است. از جمله موضوعات حائز اهمیتی که به ویژه در دو دهه اخیر طرف توجه قرار گرفته است، رویدادهای خشونت‌بار در ورزش فوتبال است که هر از چندگاهی جلوه‌هایی

از آن را می‌توان در هنگام برگزاری مسابقات ملی و بین‌المللی مشاهده کرد. به نظر برخی از پژوهشگران، در بین فعالیت‌های ورزشی تنها ورزش فوتبال است که سبب ایجاد اوباش‌گری (Hooliganism) به مفهوم مرسوم آن می‌شود (Cashmore, 1998:218). آشکارترین نمونه رفتارخسونت‌آمیز بین طرفداران فوتبال همین پدیده موسوم به "اوباش‌گری" است که امروزه به شکل نسبتاً سازمان‌یافته‌ای در کشورهای صاحب فوتبال به ویژه در اروپا رواج دارد. اهمیت موضوع خسونت و پرخاش‌گری در ورزش سبب شد که از دهه 1960 میلادی پژوهشگران تبیین‌ها و تفسیرهای گوناگونی درباره اوباش‌گری و خسونت تماشاگران مسابقات فوتبال مطرح کنند.

1) خسونت و پرخاش‌گری چیست؟

تعاریف فراوانی درباره خسونت و پرخاش‌گری ارائه شده است: برخی پرخاش‌گری را واکنشی غریزی به ناکامی، و رقابت برای دستیابی به من‌ابعی می‌دانند که عمدتاً از طریق برخورد بدنی تجلی می‌یابد (Argyle, 1993:220). برخی دیگر پرخاش‌گری را هر نوع رفتاری تعریف می‌کنند که به دیگری آسیب وارد می‌کند (Smith & Bond, 1993:68). برکویتز (Berkowitz) با تعریف پرخاش‌گری به عنوان ایراد آسیب عمده به دیگری، می‌افزاید این آسیب ممکن است روانی یا فیزیکی باشد. خسونت معمولاً براساس شدت آسیب از

پرخاشگری متمایز می‌شود و کنشی است که عامل آن به عمد برای آسیب رسانی فیزیکی به دیگری تلاش می‌کند (Berkowitz, 1986:307). کاکلی (Coackly) در تعریفی نسبتاً جامع از پرخاشگری می‌گوید: "پرخاشگری ناظر به رفتاری است که با نیت تخریب اموال یا صدمه زدن به شخص دیگر انجام می‌شود و متضمن بی‌توجهی محض به سلامت دیگران و احتمالاً خود است. پیامدهای پرخاشگری ممکن است فیزیکی یا روان شناختی باشد" (Coakley, 1998:180). بنابراین، می‌توان خشونت و پرخاشگری را از نظر مفهومی به عنوان عملی در نظر گرفت که از روی اراده و آگاهی به منظور آسیب‌رسانی فیزیکی یا روحی - روانی به دیگری انجام می‌پذیرد.

رایج‌ترین تقسیم‌بندی در باب پرخاش گری، تقسیم‌بندی دوگانه آن به دو نوع بازتابی و ابزاری (Reactive/Reflexive & Instrumental) است. پرخاشگری بازتابی است که بی‌نفسه با هدف ایراد آسیب فیزیکی یا روانی انجام می‌شود (Alderman, 1975:228, Wiggins, 1994:372). به تعبیر لئونارد، این نوع پرخاشگری اساساً دارای مؤلفه‌های احساسی بوده و هدف از آن آسیب‌رسانی است (Leonard, 1988:165) و درج‌ریان آن فرد پرخاش‌گر به سبب تلقی دیگری به مثابه تهدید یا محرکی آسیب‌رسان چشم‌گین و برآشفته می‌شود (Blanchard, 1985:255). پرخاشگری ابزاری شامل ضرب و جرح و وارد ساختن درد و رنج به دیگری به مثابه ابزاری برای دستیابی به یک هدف است که شکل محسوس آن می‌تواند دستیابی به اهداف گوناگونی مانند پاداش مادی، پیروزی، افتخار، یا تحسین باشد

(Ibid) .

پیترمارش و همکارانش نیز به دو نوع پرخاش‌گری، یعنی پرخاش‌گری واقعی و آیینی باورمندند. اولی را اعمال خشونت جسمانی علیه دیگران تعریف می‌کنند و دومی را کنایه‌ی انمادین می‌نامند. پرخاش‌گری آیینی محصول توافق در خصوص مجموعه‌ای از قواعد است که از گفته‌های شرکت‌کنندگان در آن می‌توان آن‌ها را استنباط کرد (ویلیامز و دیگران، 1379: 69-70) .

برخی پژوهش‌گران براساس شیوة تجلی پرخاش‌گری و خشونت، آن را به دو نوع کلامی و فیزیکی تقسیم‌بندی کرده‌اند (Russel,1993) . پرخاش‌گری کلامی در جریان تقابل و رویارویی دو فرد یا دو گروه، از طریق تهدید، جنجال، تمسخر و استهزاء و سخنان توهین‌آمیز بروز می‌کند. دانینگ (Dunning) و همکارانش معتقدند: " خشونت ابزاری می‌تواند هیجان‌انگیز هم باشد؛ یا خشونت عاطفی ممکن است طراحی‌ی ا تدارک شده باشد (ویلیامز و دیگران، 1379: 155) .

2) خشونت و پرخاش‌گری ورزشی

واژه خشونت و پرخاش‌گری در عرصه فعالیت‌های ورزشی برای توصیف گستره‌ای از کنش‌ها استفاده می‌شود و به شکل‌های ابزاری و بازتابی، و کلامی و فیزیکی تجلی می‌یابد و از سوی مشارکت‌کنندگان در قبال سایر بازی‌کنان، تماشاگران، مربیان، مقامات ورزشی، عامه مردم و اموال به کار بسته می‌شود (Alderman,1975:229) . ارونسون نیز با تمایز بین دو نوع پرخاش‌گری ابزاری و بازتابی یا عاطفی، امکان

وقوع هر دو را در عرصه ورزش متذکر می‌شود (ارونسون، 1369: 164).

به این ترتیب، خشونت و پرخاشگری ورزشی را می‌توان به عنوان رفتاری تعریف کرد که خارج از قواعد و هنجارهای ورزشی رخ می‌دهد؛ سبب آسیب عمده می‌شود؛ و ارتباط مستقیمی با اهداف رقابتی ورزش ندارد (Terry & Jackson, 1985:2). آسیب زدن به دیگری روش‌های مختلفی چون تحقیر، اهانت، دشنام و توهین، یا تلاش برای آسیب‌زدن فیزیکی دارد. در هر مورد، هدف این نوع رفتار آسیب رساندن به دیگری/دیگران، یعنی تحمیل درد و رنج، به شکل فیزیکی یا روحی - روانی است.

3) چارچوب نظری

آثار تجربی و نظری که در خلال نیم قرن اخیر درباره رفتار پرخاشجویانه و خشن به وجود آمده، عمدتاً در دو گروه جای می‌گیرند: نخست، برخی که منبع پرخاشگری را ملهم از سایق‌های درونی و غرایز در نظر می‌گیرند؛ و دوم، از آن دست آثاری که پرخاشگری و خشونت را واکنشی به رویدادهای محیطی می‌دانند که از طریق آموزش فرهنگی و فردی تعدیل می‌شود (Baenninger, 1991:1). اما رویکردهای نظری در باب خشونت و پرخاشگری در حوزه علوم انسانی را می‌توان با توجه به جنبه‌های مشترکی که دارند در سه پارادایم زیست‌شناختی، روان‌شناختی، و

جامعه شناختی قرار داد.*
در این مقاله، با در نظر گرفتن خشونت و پرخاش‌گری طرفداران فوتبال به مثابه امری روانی - اجتماعی سعی می‌شود تا با استفاده از تئوری ناکامی - پرخاش‌گری، واکنش‌های طرفداران تیم‌های فوتبال در شهر تهران در قبال وضعیت‌هایی که منجر به ناکامی آنان در تحقق اهداف ورزشی شان می‌شود، تحت مطالعه قرار گیرد. در واقع، هدف مقاله حاضر واکاوی تجربی یکی از تبیین‌های رایج در خصوص خشونت و پرخاش‌گری بین طرفداران فوتبال است.

4) تئوری ناکامی - پرخاش‌گری

در روان‌شناسی، صرف‌نظر از اشاره به برخی عوامل مانند کم‌هوشی، نابسامانی کروموزومی، اختلال مغزی و عصبی و رفتار غریزی که برای تبیین پرخاش‌گری و خشونت بدان استناد می‌شود، می‌توان به تئوری ناکامی - پرخاش‌گری (Frustration-Aggression Theory) اشاره کرد. در این تئوری، پرخاش‌گری، برآیند جریانی در نظر گرفته می‌شود که در آن افراد از دست‌یابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی

* برای آشنائی با بحث‌های مربوط به نظریه‌های خشونت و پرخاش‌گری در ورزش رجوع شود به دو مقاله زیر:
الف) رحمتی، محمد مهدی (1381). " بررسی و نقد نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره خشونت ورزشی". فرهنگ عمومی، شماره 30.

ب) محسنی تبریزی، علی‌رضا و رحمتی، محمد مهدی (1381). "سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، پرخاش و پرخاش‌گری در ورزش"، نامه علوم اجتماعی، شماره 19.

در آن‌ها شکل می‌گیرد. ناکامی حاصل از چنین جریانی در نهایت سبب بروز رفتار پرخاش‌جویانه بین افراد می‌شود. مهم‌ترین هدفی که به عنوان محور آسیب تحت توجه قرار می‌گیرد، منبع یا منابع ناکامی است. ناکامی احساسی است که در نتیجه ایجاد مانع بر سر راه رسیدن به هدفی که فرد آن را مطلوب می‌شمارد پدید می‌آید (محسنی تبریزی، 1379: 7). این هدف می‌تواند ذهنی باشد، - یعنی - این که فرد گمان کند که در حال رسیدن به هدف دلخواهش است و لذتهای آن را پیش‌بینی کند - و یا ممکن است در رفتار ظاهری تجلی یابد. در هر حال، چنان‌چه اتفاقاً مانعی سد راه تحقق اهدافی که فرد انتظار دستیابی به آن را دارد شود، می‌توان گفت که وی ناکام شده است و ویژگی این تعریف، متمایز ساختن ناکامی از محرومیت است مردم فقط به خاطر نداشتن چیزی ناکام فرض نمی‌شوند؛ ناکامی زمانی رخ می‌دهد که فرد در دستیابی به هدفی که انتظار رسیدن به آن را دارد با شکستی پیش‌بینی نشده مواجه می‌شود (Berkowitz, 1986: 310-311 & Leonard, 1988: 170). به این ترتیب، براساس تئوری مذکور پرخاش‌گری واکنشی عام به ناکامی است.

تئوری ناکامی - پرخاش‌گری در آغاز در (1939) از جانب روان‌شناسانی مانند دولارد، دوب، میلر، مورر و سیرز (Sears) مطرح شد که مبتنی بر دو پیش فرض بود: اول، ناکامی سبب بروز برخی اشکال پرخاش‌جویی می‌شود؛ دوم، کنش‌های پرخاش‌جویانه حاصل برخی اشکال ناکامی هستند (Brehm & Kassir, 1993, Myers, 1994, &

Schellenberg, 1974:82-3). از دهه 1940 به بعد، پژوهش‌های فراوانی در باب ارتباط پرخاش‌گری با ناکامی انجام پذیرفته است. از جمله مفاهیم مهمی که در جریان تحولات نظری تئوری ناکامی - پرخاش‌گری وارد آن شده مفهوم جاب‌ه‌جایی یا تعویض (Displacement) است. شخص ناکام از انگیزه فراوانی برای حمله به موانع موجود در راه دستیابی به اهداف خود برخوردار است. رنج و ناکامی حاصل از عدم تحقق هدف سبب تحریک‌کینه و دشمنی در فرد ناکام می‌شود. هنگامی که علت ناکامی مشخص نباشد، یا اقدام علیه آن به سبب عدم دسترسی به آن، بیم از تنبیه احتمالی، انتقام‌جویی یا ترس میسر نباشد، کینه و دشمنی ناشی از ناک‌امی تغییر جهت می‌دهد (Collins, 1970:265). در جریان این تغییر جهت، فرد ناکام، پرخاش‌گری و خشونت خود را متوجه کسانی می‌کند که به پندار وی با عامل ناکامی اش ارتباط دارند. ریچارد کرچفیلد در توصیف جاب‌ه‌جایی متذکر می‌شود که: "هدف جاب‌ه‌جایی لازم نیست با علت ناکامی مربوط باشد، معمولاً رفتار پرخاش‌گرانه ارتباط چندانی با علت ناکامی ندارد. مثلاً فردی که بر اثر شکست در رسیدن به شغل دلخواه ناکام شده است، ممکن است نسبت به همسر و فرزندان خود پرخاش‌گر باشد" (کرچفیلد و همکاران، 1347: 84). جاب‌ه‌جایی اگر با امری صورت گیرد که از نظر فرهنگی یا اخلاقی عالی‌تر از هدف اجابت نشده باشد "به‌گرایی (Sublimation) خوانده می‌شود. فروید پیشرفت تمدن را نتیجه همین جاب‌ه‌جایی‌ها، یعنی پس‌زدن خواسته‌های غریزی نخستین و متوجه ساختن نیروی آن‌ها به سوی هدف‌های اجتماعی و فرهنگی می‌داند (کرچفیلد و دیگران، پیشین).

لئونارد برکویتز براساس این نگرش که رفتار به درجات مختلف محصول تأثیرات طبیعی و محیطی بر

ارگانیزم زنده هستند، بر این باور است که ناکامی، خودبه خود سبب تحریک پرخاش گری نمی شود و قرار گرفتن در معرض الگوهای پرخاش گری نیز همیشه منجر به تجلی پرخاش گری نمی شود. برکویتز تأثیر پالایندة «پرخاش گری تجلی یافته» را به طور کامل رد نمی کند، اما معتقد است واکنش پرخاش جویانه به یک محرک واقعی یا خیالی، به طور موقت منجر به نوعی احساس رهایی می شود.

نتیجه گیری برکویتز در خصوص منشاء راه های اشاعه رفتار پرخاش جویانه، مبنی بر این که غرایز بیولوژیکی و یادگیری درهم تنیده اند، حایز اهمیت است. تمایز گذاری برکویتز بین پرخاش گری "مشروع" (مجاز) و پرخاش گری "نامشروع" (خطا)، تقسیم بندی مهمی برای فهم بهتر پرخاش گری در عرصه ورزش است. برخی برخوردهای فیزیکی در فوتبال یا مشت زدن در ورزش مشت زنی، نمونه هایی از پرخاش گری مشروع در کنش های ورزشی به شمار می آیند. اما علی رغم ماهیت فیزیکی و پرخاش جویانه ورزش هایی مانند مشت زنی و فوتبال، هیچ قاعده ورزشی در این دو رشته خفه کردن را مجاز نمی شمارد. از دیگر سو، قواعد ورزشی رشته هایی مانند جودو یا کشتی، برخی اعمال و حرکتهای پرخاش جویانه مثل تحت فشار قرار دادن بدن و پرتاب کردن را مجاز می شمارند، اما اعمالی مانند مشت زدن یا برخورد فیزیکی شبیه به فوتبال را روا نمی دارند. "آستانه تحمل" و نیز "پرخاش گری و خشونت" در قبال کنش هایی که در محدوده مبه م پرخاش گری مجاز و غیرمجاز رخ می دهند، عرصه ای است که در چارچوب تئوری ناکامی - پرخاش گری نیاز به بررسی دقیق و موشکافانه دارد.

دیدگاه های جدید تئوری ناکامی - پرخاش گری به این مسئله اذعان دارند که دامنه تجلی و بروز پرخاش گری در عرصه فعالیت های ورزشی به عواملی مانند فراوانی شکل گیری و بروز ناکامی، آستانه

تحمل افراد در رویارویی و مواجهه با ناکامی، میزان رویدادهایی که منجر به ناکامی می شوند، و دامنه انتظارات افراد در قبال مجازاتی که به رفتار پرخاشجویانه تعلق می‌گیرد، بستگی دارد. از این منظر، رفتار هواداران تیم های ورزشی را که در ورزشگاه ها حضور پیدا می کنند می‌توان به دو نوع پرخاشگری مجاز و غیرمجاز تقسیم کرد. از نمونه های پرخاشگری مجاز می‌توان به شعارهایی که برای طرفداری از تیم محبوب صورت می‌پذیرد اشاره کرد. همچنین، در چارچوب هنجارهای رسمی و غیررسمی حاکم بر رفتار تماشاگران در ورزشگاه، فریادهای اعتراض به مسئولان، داور یا بازیکنان را در صورتی که با الفاظ ناپسند آمیخته نباشد، می‌توان در زمره پرخاشگری مجاز تلقی کرد. در این پژوهش، ناکامی به عنوان متغیر مستقل و به مفهوم احساسی که برآیند ایجاد مانع در راه رسیدن به هدف وردنظر است، در نظر گرفته شده است. با توجه به چشم انداز نظری این مطالعه، ناکامی از منظر رفتار طرفداران تیم های فوتبال در حیطه ورزشگاه ها و در شش جنبه طرف توجه قرار گرفته است. عدم توفیق و ناکامی برای حضور در ورزشگاه، نمایش دور از انتظار و ضعیف بازیکنان تیم محبوب در هنگام مسابقه، خطای بازیکنان تیم حریف روی بازیکنان تیم محبوب، استنباط قضاوت نادرست داور علیه تیم محبوب، ناکامی و شکست تیم محبوب و عدم دسترسی به تسهیلات و امکانات رفاهی و خدماتی (آبخوری، سرویس های بهداشتی، بوفه و مکان نشستن) در داخل ورزشگاه، به عنوان مصداق های شش گانه وجودآورنده احساس ناکامی طرفداران تیم های ورزشی تحت مطالعه، هنگام حضور در ورزشگاه در نظر گرفته شده اند. متغیر وابسته پژوهش، پرخاشگری و خشونت است که به شکل های مختلف کلامی و فیزیکی تحت بررسی قرار می گیرد.

توهین، دشنام و دادن شعاره ایی که حاوی الفاظ نامناسب هستند به عنوان مصداق رفتار پرخاشجویانه در نظر گرفته شده اند. درگیری فیزیکی با طرفداران تیم رقیب، پرتاب اشیاء به سوی بازیکنان، داور و زمین بازی، تخریب اموال ورزشگاه و اتوبوس های حامل تماشاگران، مصداق های رفتار خشونت آمیز طرفداران فوتبال در نظر گرفته شده اند.

با توجه به تعریفی که از متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش انجام پذیرفت، فرضیه کلان پژوهش حاضر این است که " ناکامی طرفداران تیم های فوتبال در دستیابی به اهداف ورزشی شان سبب گرایش آنان به انجام رفتار و اعمال پرخاشجویانه و خشونت آمیز می شود". این فرضیه کلی می تواند در قالب 18 فرضیه خرد طرح و آزمون شود: به این ترتیب که همبستگی هر یک از متغیرهای مستقل که دلالت بر نوعی ناکامی دارند به طور جداگانه سه بار - یک مرتبه با پرخاشگری کلامی، یک مرتبه با خشونت فیزیکی و در نهایت با کلیت عمل خشونت و پرخاشگری - آزموده و بررسی شود.

5) روش شناسی

در این پژوهش به منظور بررسی اعتبار تجربی تئوری ناکامی - پرخاشگری به تهیه شاخص در باب احساس ناکامی، پرخاشگری و خشونت و مطالعه آنها بین طرفداران فوتبال در شهر تهران اقدام شده است. به منظور سنجش احساس ناکامی بین طرفداران حاضر در مسابقه های فوتبال دو تیم پرسپولیس و استقلال، در باب هر یک از حالت های شش گانه ای که به وجود آورنده احساس ناکامی در محیط ورزشگاه هستند طیفی مرکب از هفت گزینه - شامل اصلاً (هیچ)، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد، و

کاملاً - تنظیم شده است. پژوهش حاضر به شیوه پیمایشی (Survey) انجام شده که مزیت آن در مقایسه با روش‌های دیگر کارآمدی و قدرت توصیف مناسب ویژگی‌های واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آنها به کمک استنباطات علی است (دوآس، 1377). اطلاعات پژوهش بر مبنای شاخص‌های تحقیق و از طریق پرسشنامه و مصاحبه شفاهی در ورزشگاه گردآوری شده است. در مطالعه مقدماتی، ابتدا 60 پرسش تهیه شد و پس از پیش‌آزمون (Pre-test)، در نهایت برخی پرسش‌ها به سبب ضعف پایایی (Reliability)، عدم اولویت، امکان ادغام در سایر پرسش‌ها و تشابه با یکدیگر حذف شدند و پرسشنامه با حفظ ترکیب اصلی به 40 پرسش کاهش یافت. پرسش‌گری پژوهش حاضر در ماه‌های مهر تا اسفند 1382 و در نوبت‌های مختلف برگزاری مسابقه‌های فوتبال لیگ برتر بر حسب توزیع نمونه در شهر تهران انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، علاوه بر استفاده از شاخص‌های پراکندگی و گرایش به مرکز، متناسب با مقیاس سنجش متغیرهای پژوهش از روش‌های سنجش همبستگی و پیوستگی مانند رگرسیون، تحلیل واریانس، تحلیل عاملی و جداول تقاطعی استفاده شده است.

6) جمعیت آماری و شیوه نمونه‌یابی

جمعیت آماری مطالعه شده در این پژوهش را 284 نفر از طرفداران دو تیم پرترفدار تهرانی، یعنی استقلال و پرسپولیس تشکیل داده‌اند که به صورت تصادفی از بین طرفداران حاضر در ورزشگاه انتخاب شده‌اند. 60 درصد جمعیت نمونه (170 نفر) از طرفداران تیم پرسپولیس و 40 درصد (114 نفر) از طرفداران تیم استقلال هستند. نسبت مذکور با توجه

به آمار حضور طرفداران دو تیم یادشده در فصل قبلی برگزاری لیگ برتر فوتبال در دو ورزشگاه تختی و آزادی در شهر تهران (81- 1382) در نظر گرفته شده است.* لازم به ذکر است که با توجه به فقدان تفاوت معنادار آماری بین آماره های مربوط به تماشاگران دو تیم استقلال و پرسپولیس، به نتایج تحقیق به صورت کلی اشاره شده است. شیوة نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری خوشه ای همراه با طبقه بندی (Stratified cluster sampling) بوده است. در این شیوه، اولین واحد نمونه گیری یا خوشه ها، گروه طرفداران دو تیم استقلال و پرسپولیس بوده اند. سپس در هر نوبت برگزاری مسابقه های دو تیم، از میان طرفداران آن ها پاسخگویانی به صورت تصادفی انتخاب و با آن ها مصاحبه شده است. با وجود مشکلات مربوط به نمونه یابی و عدم همکاری برخی از پاسخگویان نمونه، تلاش گروه جمع آورنده داده ها بر این بود که تا حد امکان در زمان های مناسب قبل و بعد از مسابقه در ورزشگاه پرسش نامه پژوهش را تکمیل کنند.

7) تجزیه و تحلیل آماری نتایج

7-1) مشخصات کلی

نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که 276 نفر از پاسخگویان (97/2 درصد) مجرد و تنها 8 نفر (2/8 درصد) متأهل هستند. بررسی آماره های مربوط به سن حاکی از این است که میانگین سن پاسخگویان 18/9

* آمار تماشاگران حاضر در ورزشگاه، هنگام برگزاری مسابقه دو تیم، از مطبوعات ورزشی استخراج شده است.

سال است، و حداقل و حداکثر سن آن‌ها به ترتیب 15 و 30 سال و میانه سنی آن‌ها 18 سال است. نگاهی به داده‌های مربوط به سن پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که اکثر آنان را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند؛ به گونه‌ای که بیش‌ترین درصد پاسخ‌گویان حاضر در ورزشگاه با 41/5 درصد جمعیت، به گروه سنی 17-18 سال تعلق دارد.

بررسی اطلاعات مربوط به میزان تحصیلات پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که اکثر آنان (41/5 درصد) دارای میزان تحصیلاتی در حد دیپلم هستند. میانگین میزان تحصیلات پاسخ‌گویان 10/8 و نما و میانه آن 12 است. به عبارت دیگر، نیمی از پاسخ‌گویان دارای تحصیلات کم‌تر از دیپلم و نیمی دیگر دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر هستند.

2-7) احساس ناکامی

در ادامه مقاله میزان احساس ناکامی آزمودنی‌ها در رویارویی با وضعیت‌هایی که ممکن است در هنگام حضور در ورزشگاه برای آنان ایجاد ناکامی کنند تحت بررسی قرار گرفته است. اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد کم‌ترین میزان احساس ناکامی بین تماشاگران حاضر در ورزشگاه به گزینه «عدم دسترسی به تسهیلات و امکانات» برمی‌گردد. بیش از یک‌سوم پاسخ‌گویان (35/2 درصد) در قبال فقدان یا کمبود تسهیلات و امکانات در ورزشگاه دچار احساس ناکامی به میزان کم می‌شوند. پس از این گزینه، با فاصله‌ای نسبتاً زیاد گزینه مربوط به ناکامی برای حضور در ورزشگاه با میزان 14/6 درصد قرار دارد. از طرف دیگر، بیش‌ترین میزان احساس ناکامی به گزینه «شکست تیم محبوب» مربوط می‌شود؛ به گونه‌ای که این مقوله در 87/3 درصد از پاسخ‌گویان

به میزان زیاد تولید ناکامی می‌کند. پس از آن دو گزینه «خطای بازی‌کنان حریف» و «استنباط از قضاوت نامناسب و مغرضانه داور به زیان تیم محبوب» به ترتیب با 78/9 و 74/1 درصد در بین پاسخ‌گویان به میزان زیاد ایجاد ناکامی می‌کند.

جدول 1: میزان احساس ناکامی در برابر حالت‌های مختلف ناکامی تماشاگران در ورزشگاه

میزان احساس ناکامی*	ناکامی برای حضور تماشاگران در ورزشگاه	بازی نامناسب تیم محبوب	خطای بازی‌کنان حریف	قضاوت نامناسب داور	عدم دسترسی به تسهیلات و امکانات	شکست تیم محبوب
کم	14/6	10/3	1/4	12/8	35/2	4/3
متوسط	66/7	63/2	19/7	13/1	46/5	8/4
زیاد	18/7	26/5	78/9	74/1	18/3	87/3

* در جدول فوق مقادیر مربوط به مقوله های خیلی کم و کم، زیاد و خیلی زیاد با یکدیگر ترکیب شده اند. (در هیچ یک از موارد پاسخ اصلاً وجود نداشت).

3-7) پرخاشگری و خشونت

برای سنجش پرخاشگری و خشونت بین جمعیت مطالعه شده، کلیه رفتار و اعمالی که به نوعی دلالت بر آسیب‌رسانی روحی یا فیزیکی به اشخاص یا اشیاء دارند تحت بررسی قرار گرفته اند. به این منظور، این موارد در میان پاسخ‌گویان سنجیده شد: شعارهای تحقیرآمیز و زننده علیه بازی‌کنان، هواداران و دست‌اندرکاران تیم حریف؛ شعار بر علیه داور و سایر کارگزاران برگزارکننده مسابقه؛ درگیری فیزیکی با هواداران تیم حریف؛ پرتاب اشیاء و مواد منفجره به سمت بازی‌کنان، داور و زمین بازی؛ و تخریب اشیاء و اموال ورزشگاه و وسایل حمل و نقل عمومی. نتیجه تحلیل

عواملی متغیرهای مربوط به پرخاش‌گری و خشونت نشان می‌دهد که متغیرهای مذکور دارای دو بعد هستند. این دو بعد به اتفاق 66/7 درصد از رفتار پرخاش‌جویانه و خشونت‌آمیز جمعیت مطالعه شده را تبیین می‌کند. اولین بعد (عامل) روی مت‌غیرهای درگیری فیزیکی با هواداران تیم حریف، پرتاب اشیاء و مواد منفجره به سمت بازی‌کنان، داور و زمین بازی و تخریب اموال ورزشگاه و وسایل حمل و نقل عمومی بارگذاری شده که به میزان 40/8 درصد تبیین‌کننده رفتار خشن و پرخاش‌جویانه است. عامل دوم روی متغیرهای شعارهای تحقیرآمیز و زننده علیه بازی‌کنان، هواداران و دست‌اندرکاران تیم حریف و شعار علیه داور و سایر کارگزاران برگزارکننده مسابقه بارگذاری شده است، که به میزان 25/9 درصد تغییرات رفتار پرخاش‌جویانه و خشونت‌آمیز طرفداران فوتبال در این پژوهش را تبیین می‌کنند. دو عامل مذکور تحت عنوان پرخاش‌گری کلامی و خشونت فیزیکی بررسی قرار گرفته‌اند.

1-3-7) پرخاش‌گری کلامی

پرخاش‌گری کلامی شامل شعارهای تحقیرآمیز و دارای مضامین ناپسند و زننده است که علیه بازی‌کنان، هواداران و دست‌اندرکاران تیم حریف و نیز علیه داور و سایر کارگزاران برگزارکننده مسابقه سرداده می‌شود. برای محاسبه این نوع پرخاش‌گری، انجام عمل - یعنی پرخاش‌گری کلامی - در میزان وقوع آن ضرب شده و سپس نمرات به دست آمده در پنج گزینه جای گرفته‌اند. بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به میزان تکرار این نوع پرخاش‌گری و انجام آن بین افراد مطالعه شده در این پژوهش، 58/5 درصد از پاسخ‌گویان فاقد این

نوع پرخاش‌گری، 10/5 درصد دارای پرخاش‌گری کلامی کم و 14/1 درصد دارای پرخاش‌گری کلامی متوسط هستند. همچنین، 15/5 و 1/4 درصد از پاسخ‌گویان به ترتیب دارای پرخاش‌گری کلامی زیاد و بسیار زیاد هستند.

شعارهای طرفداران دو تیم استقلال و پرسپولیس هنگام حضور در ورزشگاه و حین بازی تیم‌های مورد علاقه‌شان، در سه گزینه عمده جای می‌گیرد:

الف) ابراز علاقه عاطفی به بازیکنان و مربی تیم مورد علاقه، با بهره‌گیری از شعارهایی که صرفاً دارای بار عاطفی و محبت‌آمیز هستند و نشانگر علاقه‌مندی به تیم و بازیکنان محبوب است

ب) تشبیه تیم و بازیکنان مورد علاقه به نمونه‌های مشهور بین‌المللی در عرصه فوتبال که در شعارهایی مانند: اس. اس. آ.ث میلان، پرسپولیس منچستر، کریمی ریوالدو و غیره تجلی می‌یابد.

ج) شعارهایی که به منظور حمایت از تیم یا بازیکنان مورد علاقه ابراز می‌شود و دارای مضامین نظامی و احیاناً پرخاش جویانه یا خشونت آمیز هستند.

نزدیک به نیمی از طرفداران (47 درصد) شعارهایی در طرفداری از تیم محبوب، بازیکنان مورد علاقه و بعضاً مربی تیم محبوب سر می‌دهند. محتوای این قبیل شعارها از یک سو دارای بار عاطفی است، و از دیگر سو ناظر به توانایی‌های ورزشی و فنی بازیکنان تیم محبوب است. طرفداران تیم‌های مذکور بر این باورند که حمایت عاطفی از بازیکنان تیم محبوب سبب افزایش توان روحی آنان و در نهایت ایجاد فرصت برای بروز توان‌مندی‌های فیزیکی بازیکنان در داخل بازی می‌شود. در برخی مواقع نیز هواداران تیم‌ها با بهره‌گیری از ادبیات نظامی سعی در ترغیب تیم

محبوب به گل زدن می‌کنند. پس از شعارهای مبتنی برطرفداری از تیم و بازیکنان تیم محبوب، 37 درصد از شعارها معطوف به شعارهای تحقیرآمیز نسبت به تیم حریف و طرفدارانش است که این قبیل شعارها با هدفی دوگانه داده می‌شود: تضعیف روحیه بازیکنان تیم حریف و تقویت روحیه بازیکنان تیم محبوب. افزون بر دو مقوله‌ای که ذکر شد، 16 درصد از طرفداران دو تیم استقلال و پرسپولیس در هنگام برگزاری مسابقه مبادرت به دادن شعارهای زننده می‌کنند.

2-3-7) خشونت فیزیکی

برای سنجش خشونت فیزیکی تماشاگران مسابقه های فوتبال در محیط ورزشگاه سه رفتار کلی تحت توجه قرار گرفته است. این سه رفتار عبارتند از درگیری فیزیکی با هواداران تیم حریف؛ پرتاب اشیاء و مواد منفجره به سمت بازیکنان، داور و زمین بازی؛ و تخریب اموال ورزشگاه و وسایل حمل و نقل عمومی که برای جابه‌جایی تماشاگران به ورزشگاه اختصاص یافته‌اند. در این باره نیز، مانند پرخاشگری کلامی، انجام عمل خشونت‌آمیز با فراوانی وقوع آن ترکیب شده و سپس به دسته‌بندی پاسخ‌گویان منجر شده است. به این ترتیب، 23/9 درصد از پاسخ‌گویان هیچ‌گونه رفتاری که مصداق خشونت فیزیکی باشد انجام نمی‌دهند، 32/4 درصد در حد کم، 26/8 درصد در حد متوسط، 8/5 درصد در حد زیاد و 8/4 درصد نیز در حد بسیار زیاد مرتکب رفتار خشونت‌آمیز در هنگام حضور در ورزشگاه می‌شوند.

8) پرخاشگری کلامی و خشونت فیزیکی

ترکیب نتایج مربوط به دو شاخص پرخاشگری کلامی و خشونت فیزیکی حاکی از این است که 21/8 درصد

تماشاگران و هواداران تیم های فوتبال مطالعه شده در این پژوهش هنگام حضور در ورزشگاه فاقد رفتار پرخاشجویانه و خشونت آمیز هستند. 31/8 و 20/4 درصد نیز به ترتیب دارای رفتار پرخاش جویانه و خشونت آمیز به میزان کم و متوسط هستند. همچنین، 16/2 درصد از پاسخگویان دارای رفتاری پرخاشجویانه و خشونت آمیز در حد بسیار زیاد و 9/8 درصد در حد بسیار زیاد هستند.

بررسی رفتار پرخاش جویانه و خشونت آمیز تماشاگران نشانگر این است که بیشترین نسبت رفتار پرخاش جویانه و خشونت آمیزی که افراد مذکور هنگام حضور در مسابقه های فوتبال انجام می دهند، شعار دادن علیه تیم های حریف است. 64/8 درصد از افراد مطالعه شده اذعان کرده اند که به تناوب هنگام حضور در ورزشگاه مبادرت به دادن چنین شعارهایی می کنند. البته در این مورد شعارهای توهین آمیز و زننده که حالت پرخاشجویانه دارند از شعارهای عادی تفکیک نشده اند.

جدول 2: نسبت انجام رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز افراد نمونه در طول حضور در مسابقه های فوتبال

رفتار پرخاشجویانه و خشونت آمیز	درگیری با هواداران تیم حریف	شعار علیه تیم حریف	شعار نویسی روی دیوار	پرتاب اشیاء پرتاب منفجره	تخریب اموال ورزشگاه	پاره کردن صندلی اتوبوسها
بلی	16/6	64/8	12/7	12	19/7	16/2
خیر	83/4	35/2	87/3	88	80/3	83/4

صرفنظر از مقوله بالا، گزینه «تخریب اموال ورزشگاه» با 19/7 درصد بیش از سایر گزینه ها قرار دارد و پس از آن گزینه های «درگیری با هواداران تیم حریف» و «پاره کردن صندلی اتوبوسهای مخصوص حمل تماشاگران» به ترتیب با

16/6 و 16/2 درصد قرار دارند. کمترین رفتار خشونت‌آمیز تماشاگران هنگام حضور در ورزشگاه به گزینه «پرتاب مواد منفجره» مربوط می‌شود که تنها 7/7 درصد از افراد تحت مطالعه اذعان کرده‌اند که در زمان‌های حضور در مسابقه‌های فوتبال مبادرت به انجام عمل مذکور کرده‌اند.

89/7 درصد از پاسخ‌گویانی که مرتکب رفتار پرخاش‌جویانه و خشونت‌آمیز می‌شوند عنوان کرده‌اند که این رفتار را به صورت جمعی و با مشارکت سایر هواداران انجام می‌دهند.

9) نگرش جمعیت نمونه در خصوص علل خشونت و پرخاش‌گری تماشاگران

نگرش پاسخ‌گویان در این پژوهش در باب دلایل انجام رفتار پرخاش‌جویانه و خشونت‌آمیز در عرصه ورزشگاه‌ها به تفکیک بین دو گروه از پاسخ‌گویان سنجیده و ارزیابی شده است. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد 26 درصد از پاسخ‌گویان، رفتار پرخاش‌جویانه و خشونت‌آمیز را در حد زیاد و بسیار زیاد انجام می‌دهند و سایر افراد (74 درصد) کمتر از حد متوسط مرتکب چنین رفتاری می‌شوند. با بهره‌گیری از رویه‌های مبتنی بر فرافکنی (Projection) به سنجش نگرش این دسته از پاسخ‌گویان در خصوص علل انجام چنین رفتاری اقدام شد که در جواب 35/1 درصد به باخت، ناکامی و عدم نتیجه‌گیری تیم محبوب، 21/6 درصد به فقدان امکانات و تجهیزات مناسب در ورزشگاه، 16/2 به تربیت نامناسب و محیط فرهنگی نامساعد، 13/5 درصد به کمبود اوقات فراغت و فرصت‌های تفریحی و 5/4 درصد نیز به فشارهای روحی - روانی و فضای هیجانی حاکم بر محیط اشاره کردند. 8/1 درصد نیز در این مورد

اظهار نظر نکردند.

جدول 3: نگرش جمعیت نمونه در خصوص علل خشونت و پرخاشگری به تفکیک دو گروه پاسخگویان پرخاشجو و خشن و پاسخگویان عادی

دلایل خشونت و پرخاشگری	ناکامی تیم محبوب	فقدان امکانات در ورزشگاه	تربیت نامناسب و محیط فرهنگی نامساعد	کمبود اوقات فراغت	فشارهای روانی - روانی	خودنمایی و ابراز وجود	نارضایتی سیاسی بدون نظر	پاسخگویان پرخاشجو و خشن
پاسخگویان دیگر (عادی)	15/4	2/6	20	3/7	15	19	5/7	18/6
پاسخگویان پرخاشجو و خشن	35/1	21/6	16/2	13/5	5/4	—	—	8/1

7 sig=0/0000 n=284 Cramer's v=0/42 d.f=

$$34/27 = X^2$$

اما سایر پاسخگویان که رفتار آنها در عرصه ورزشگاه‌ها را می‌توان عادی تلقی کرد، در خصوص علت انجام رفتار پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز دارای نگرشی متفاوت هستند. 20 درصد پاسخگویان این گروه به تربیت نامناسب و محیط فرهنگی نامساعد، 19 درصد به خودنمایی و ابراز وجود، 15/4 درصد به ناکامی تیم محبوب، 15 درصد به فشارهای روانی - روانی، 5/7 درصد به نارضایتی سیاسی، 3/7 درصد به کمبود اوقات فراغت و فرصت‌های تفریحی و 2/6 به فقدان امکانات و تجهیزات مناسب در ورزشگاه به عنوان علل انجام رفتار پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز در عرصه ورزشگاه اشاره کرده‌اند. آماره X^2 این فرض را که بین نگرش‌های دو گروه پاسخگویان تفاوت وجود دارد تأیید می‌کند. در حالی که بیش‌یک‌سوم از پاسخگویان پرخاشجو و خشن، ناکامی تیم محبوب را علت اصلی رفت‌ار پرخاشجویانه و خشن دانسته‌اند، این نسبت بین پاسخگویان دیگر 15/4 درصد است. اگر سه گزینه شکست تیم محبوب، فقدان تجهیزات و امکانات خدماتی و رفاهی مناسب در ورزشگاه و عدم دسترسی به

امکانات تفریحی و اوقات فراغت با یکدیگر به عنوان علی که دارای منشأ ناکامی هستند در نظر گرفته شوند، بیش از دوسوم پاسخ‌گویان پرخاش‌جو و خشن (70/2 درصد)، به نوعی وقوع چنین رفتاری را به ناکامی نسبت داده اند. اما پاسخ‌گویان عادی، به همین گزینه‌ها به میزان 21/7 درصد اشاره کرده‌اند. از طرف دیگر، مشاهده می‌شود که پاسخ‌گویان پرخاش‌جو و خشن هیچ کدام به دو گزینه خودنمایی و نارضایتی سیاسی اشاره نکرده‌اند، و این درحالی است که 24/7 درصد پاسخ‌گویان عادی به این دو مقوله اشاره کرده‌اند. همچنین، بخش عمده‌ای از پاسخ‌گویان (70/3 درصد) در پاسخ به پرسش «زمان انجام رفتار پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز تماشاگران فوتبال»، 15/3 درصد به زمان برگزاری بازی و 14/4 درصد نیز به زمان قبل از برگزاری بازی اشاره کرده‌اند.

10) آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور جلوگیری از طولانی شدن کلام در این قسمت، به انعکاس فرضیه‌های تأیید شده در این پژوهش بسنده می‌شود. برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی اسپرمن (Spearman's rho) استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که از 18 فرضیه این پژوهش 8 فرضیه تأیید و 10 فرضیه رد شده است. بر اساس این نتایج، چهار متغیر مربوط به ناکامی (یعنی شکست و ناکامی تیم محبوب، خطای بازیکنان تیم محبوب، استنباط از داوری مغرضانه و نادرست علیه تیم محبوب و عدم دسترسی به تجهیزات و امکان رفاهی و خدماتی در ورزشگاه)، به گونه‌ای معن‌آدار بر انجام پرخاشگری کلامی تماشاگران فوتبال تأثیر می‌گذارند. همچنین دو متغیر استنباط از داوری مغرضانه و نادرست علیه

تیم محبوب و شکست و ناکامی تیم محبوب در انجام رفتار خشونت آمیز تماشاگران و هواداران تیم های فوتبال در شهر تهران تأثیر معنادار دارند. در مجموع، تنها دو متغیر استنباط از داوری مغرضانه و نادرست علیه تیم محبوب، و شکست و ناکامی تیم محبوب بر رفتار پرخاش جویانه و خشن تماشاگران در شهر تهران تأثیر معنادار است. نکته جالب این که بین دو متغیر مذکور نیز ارتباط معناداری به چشم می خورد ($\rho = 0/216$). هنگام ناکامی و شکست تیم های فوتبال همواره یکی از علل اصلی که از جانب مربیان، بازیکنان و طرفداران تیم ناکام علت شکست عنوان می شود، داوری نامناسب و مغرضانه به زیان تیم محبوب است؛ و نکته جالب تر این که اگر در جریان یک مسابقه داور مرتکب اشتباه شود، مربی، مسئولان و هواداران تیم پیروز وجود اشتباه در کار داوری را امری طبیعی و اجتناب ناپذیر تلقی می کنند*.

جدول 4: ضرایب همبستگی اسپرمن بین عوامل ناکامی و

پرخاش گری و خشونت*

عوامل ناکامی	عدم توفیق برای حضور در ورزشگاه	نمایش ضعیف تیم محبوب	خطای بازیکنان حریف	قضایات ناعادلانه داور	شکست تیم محبوب	عدم دسترسی به امکانات و تسهیلات
--------------	--------------------------------	----------------------	--------------------	-----------------------	----------------	---------------------------------

* این موضوع به وضوح در پرطرف دارترین برنامه فوتبال تلویزیونی، یعنی «برنامه 90» بازتابانده می شود که مصاحبه با مسئولان تیم ها در پایان هر بازی، به آن اشاره می شود.

0/185 0/000 284	0/269 0/000 278	0/237 0/000 282	0/196 0/000 284	0/085 0/153 284	0/087 0/147 278	پرخاشگری کلامی
0/111 0/062 284	0/170 0/000 278	0/155 0/000 282	0/075 0/244 284	0/057 0/360 272	0/079 0/215 278	خشونت فیزیکی
0/069 0/247 284	0/24 0/000 278	0/207 0/000 282	0/048 0/774 284	0/046 0/449 272	0/021 0/745 278	پرخاشگری و خشونت

* در هر ستون ارقام بالا، وسط و پایین، به ترتیب به ضرایب همبستگی اسپرمن، درجه معناداری و تعداد آزمودنی ۱۵ اشاره دارند.

برای تحلیل بهتر فرضیه ها در چارچوب نظری اتخاذ شده، واکنش های مختلف پاسخگویان در قبال شدیدترین نوع ناکامی، یعنی ناکامی هواداران نسبت به شکست تیم خودی، تحت بررسی قرار می‌گیرد.* داده‌های مربوط به این متغیر حاکی از این است که بیش از نیمی از پاسخگویان (9/54 درصد) در قبال این نوع ناکامی موضعی انفعالی اختیار می‌کنند و حدود یک چهارم (4/25) نیز مبادرت به تشویق تیم محبوب می‌کنند. پس از آن، گزینه‌های توهین به بازیکنان و مسئولان تیم خودی، توهین به بازیکنان و مسئولان تیم حریف، تخریب اموال و نزاع با طرفداران تیم حریف و توهین به داور به ترتیب با 8/1، 4/9، 3/9 و 2/8 درصد قرار دارند. در واقع، اکثریت قابل توجهی از هواداران

* 3/87 درصد از کل پاسخگویان مطالعه شده اظهار داشته‌اند که هنگام شکست تیم مورد علاقه خود به میزان زیادی دچار احساس ناکامی و ناراحتی می‌شوند.

(80/3 درصد) در قبال ناکامی تیم خود رفتاری که متضمن پرخاش‌گری کلامی یا خشونت فیزیکی باشد انجام نمی‌دهند. بررسی سایرگزینه‌های واکنش به شکست تیم خودی نشان می‌دهد که 15/8 درصد از پاسخ‌گویان در این شرایط مرتکب پرخاش‌گری کلامی می‌شوند و 3/9 درصد نیز به خشونت فیزیکی متوسل می‌شوند. اطلاعات پژوهش نشان می‌دهد که در مجموع 19/7 درصد کل پاسخ‌گویان مطالعه شده در مواجهه با شدیدترین نوع ناکامی ورزشی رفتار پرخاش‌جویانه و خشونت‌آمیز نشان می‌دهند. با توجه به آزمون ضرایب می‌توان چنین نتایج گرفت که ناکامی طرف داران تیم‌های فوتبال لزوماً به پرخاش‌گری و خشونت منجر نمی‌شود و گزینه‌های دیگری هنگام مواجهه با ناکامی پدیدار می‌شود.

11) نتیجه‌گیری و ارزیابی

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد هرچند ناکامی، یکی از منابع رفتار پرخاش‌جویانه و خشونت‌آمیز محسوب می‌شود اما لزوماً و در همه حال به پرخاش‌گری و خشونت نمی‌انجامد. در واقع، ناکامی تنها یکی از عوامل متعدد و بالقوه پرخاش‌گری است. به نظر برکویتز ناکامی، خودبه‌خود سبب تحریک پرخاش‌گری نمی‌شود بلکه به عنوان «سازوکاری حاضر و آماده» برای واکنش پرخاش‌جویانه عمل می‌کند. ناکامی و تکرار فزاینده آن، به تدریج تمایل فرد ناکام را به نمایش پرخاش‌جویانه تقویت می‌کند. بنابراین هرچه ناکامی ناخوشایندتر باشد، میل به پرخاش‌گری نیز افزایش می‌یابد.

(Byren & Baron,1993:444 & Brehm & Kassin,1993:359).
برکویتز اذعان می‌کند که ناکامی، با ایجاد خشم و عصبانیت، نوعی آمادگی عاطفی برای ارتکاب کنش‌های

پرخاش‌گرایانه به وجود می‌آورد. نشانه‌ها و نمادهای خشونت‌آمیز و پرخاش‌جویانه این آمادگی را تقویت می‌کنند (Myers, 1994:248). به تعبیر لینگرن، در این فرایند الگوهای نقش (Role Models) و مشاهده پیامدهای رفتار پرخاش‌گرایانه آن‌ها حایز اهمیت است (Lindgren, 1973:435).

نظریه‌پردازان تئوری یادگیری اجتماعی (Social learning Theory) بر این باورند که افراد ناکام با توجه به الگوهای فرهنگی‌شان در قبال ناکامی ممکن است گزینه‌های دیگری جز پرخاش‌گری - مثل کمک گرفتن از دیگران، انطباق و سازگاری، کناره‌گیری، تلاش بیشتر، یا فراموشی و تخدیر ذهن با مواد مخدر و الکل - اتخاذکنند. ناکامی عمدتاً در افرادی منجر به پرخاش‌گری می‌شود که آموخته باشند چنین مکانیزمی را در قبال تغییر وضعیت به کار برند (Atkinson & others, 1993:441).

نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد، در این خصوص که پرخاش‌گری سطح تحریک فیزیکی افراد پرخاش‌گر را کاهش می‌دهد و از این طریق سبب کاهش خشونت و پرخاش‌گری می‌شود، تردید وجود دارد. پژوهش‌های بعدی نشان داد که عکس این حالت نیز صادق است، یعنی پرخاش‌گری و خشونت سبب شکل‌گیری و حتی افزایش خشونت می‌شود (Brehm & Kasson, 1993:358-9). افزون بر این، علت بروز و برانگیخته شدن خشم و عصبانیت ممکن است فعالیت‌های غیرخشن نیز باشد. بنابراین می‌توان اذعان کرد که واکنش‌های متفاوت و گوناگونی در قبال ناکامی صورت می‌گیرد، که گستره وسیعی شامل کناره‌گیری و یأس تا تلاش بیشتر برای غلبه بر منبع ناکامی را در بر می‌گیرند. افزون بر این، کلیه موارد پرخاش‌گری نیز ناشی از ناکامی نیست و افراد پرخاش‌جو به علل گوناگون و در واکنش به عوامل مختلف مبادرت به پرخاش‌گری می‌کنند. مثلاً ورزشکاران رشته مشت‌زنی که

هدف اصلی شان آسیب رساندن به حریف به منظور پیروزی است، رفتارشان ارتباطی به ناکامی ندارد. سربازان و جنگ آوران نیز در هنگام جنگ، نه به علت ناکامی، بلکه به علل دیگر مانند دفاع از میهن است به خشن ترین کنش ها می زنند. امروزه بسیاری از روان شناسان و روان شناسان اجتماعی ناکامی را در کنار سایر عوامل به عنوان یکی از عوامل بالقوه موجب پرخاشگری در نظر می گیرند (Byren & Baron,1993:444).

سطح تحلیل تئوری ناکامی - پرخاشگری ناظر به جنبه های روانی و فردی است و برای تبیین خشونت و پرخاشگری جمعی از تعمیم پذیری بسیاری، به ویژه در عرصه ورزش و بین تماشاگران مسابقه های فوتبال، برخوردار نیست. به نظر می رسد نظریه پردازان این تئوری به سبب توجه به عوامل خارجی و بیرونی در خصوص احتمال جل وگیری از رفتارهای پرخاشجویانه تا حدودی خوش بین هستند. اما با توجه به این که ناکامی و محرومیت به شکل های مختلف در جنبه های گوناگون زندگی روزمره تجلی می یابد، این نظریه پاسخ قانع کننده ای در خصوص منابع مستمر - و اغلب اجتناب ناپذیر - محرک های پرخاشگری، ارائه نمی کند (Brehm & Kassin,1993:438). از دیگر سو، به نظر می رسد که این تئوری از نظر معرفتی نیز با اشکال مواجه است: پیش فرض های آغازین این تئوری، که بعدها پیوسته دستخوش تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفت، مبتنی بر دور باطلی است که پرخاشگری را حاصل ناکامی و ناکامی را نیز حاصل پرخاشگری می داند. همچنین در این تئوری منبع یا منابع ناکامی طرف توجه قرار نگرفته اند. به عبارت دیگر، در این تئوری سخن چندان در خصوص عوامل به وجودآورنده ناکامی، ماهیت این عوامل و انواع آن ابراز نمی شود. ورزش به عنوان پدیده ای اجتماعی ذاتا نه خوب و

نه بد است. ورزش، از يك سو براي مردم فرصت هايي براي رقابت لذت بخش و مهيج ، و م بارزۀ فيزيكي كنترل شده فراهم مي كند، و از طرف ديگر منبعي براي پرخاشگري ناشي از ناکامي است. اينکه ورزش متضمن روحیه دوستانه در رقابتي بدون خشونت است يا اينکه فعاليتي جدي و خش ن است، بستگی به ارزشها، كيفيت جامعه پذيري و انگاره هاي شخصيتي شرکتکنندگان در فعاليت هاي ورزشي دارد. اگر منع دروني شديدي در قبال تجلي آشکار و بي پرواي خشونت وجود داشته باشد، ورزشکاران در برابر تمايلات پرخاشجويانه خويشتن داري نشان مي دهند. هر چند ورزش ابزاري سودمند براي ايجاد خويشتن داري است، اما اين عامل در برابر شرايط اجتماعي شرکتکنندگان و فرهنگي که در آن پرورش يافته اند از اهميت کم تري برخوردار است.

با وجود انتقاداتي که به تئوري ناکامي پرخاشگري وارد شده است، تجربه نشان مي دهد که برخي از جنبه هاي رف تار نابهنجار تماشاگران رويدادهاي ورزشي، ناشي از ناکامي آنان در تحقق اهدافشان در جريان برگزاري رقابت هاي ورزشي است. به عنوان مثال، اعتراض و توهين تماشاگران و هواداران يك تيم ورزشي خاص به داور مسابقه هنگام عدم تناسب تصميم گيري داور با انتظارات آنان، يا تخريب اموال ورزشگاه در مواقعي که تماشاگران احساس مي کنند امکانات و تسهيلات مناسبي در اختيارشان قرار نمي گيرد، ناسزاها و حرکات کم و بيش ويران گرانه اي که طرفداران تيم ها پس از ناکامي تيم هاي محبوب خويش انجام مي دهند و رفتارهايي از اين قبيل را مي توان در چارچوب تئوري ناکامي - پرخاشگري تحت ارزيابي قرار داد. اما، در اين باره نيز، با استناد به اين تئوري امکان تبیین کلیة اشکال خشونت و پرخاشگري بين تماشاگران رويدادهاي ورزشي امکان پذير نيست. در

این باره نیز نگاهی به تجربه رفتار تماشاگران در ایران و سایر کشورها نشان می‌دهد که واکنش نسبت به باخت تیم محبوب و استنباط از داوری ناعادلانه و مواردی از این قبیل، الزاماً پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز نیست. مشاهدات نشان می‌دهد که در بیش‌تر موارد تماشاگران با آرامشی نسبی و یا حداکثر با اعتراض‌های آرام و غیرپرخاشجویانه به این قبیل مسائل واکنش نشان می‌دهند. این تجربه‌ها نشان‌گر این است که آموزش مناسب، پذیرش منطقی واقعیت - از جمله پذیرش برتری تیم رقیب - برخورداری از روحیه تساهل و ... عواملی هستند که می‌توانند بر جلوگیری از منجر شدن ناکامی به پرخاشگری و خشونت، تأثیر بگذارند. در واقع این تئوری با تلاش به منظور فروکاستن پدیده خشونت و پرخاشگری به مقوله‌ای صرفاً روانی، از تأثیر نهادهای پرورشی جامعه در شکلگیری و رسوخ فرهنگ خشونت در مجامع ورزشی غفلت ورزیده است. دیدگاه مذکور بدین لحاظ که بدون توجه به جنبه‌های اجتماعی ورزش، این پدیده و فرآیندهای ملازم آن، مانند خشونت و پرخاشگری را خارج از چارچوب ساختاری آن تحت بررسی قرار داده، نقدشدنی و در معرض چالش است.

1. ارونسون، اليوت (1369). روان‌شناسي اجتماعي. ترجمه حسين شكرکن. انتشارات رشد.
2. دواس، دي (1377). پيمائش در تحقيقات اجتماعي. ترجمه هوشنگ نايبي. نشر ني.
3. کرچفيلد، ریچارد اس؛ کرچ، دیوید و بلاکي، رجزتون ال. (1347). فرد و اجتماع. ترجمه محمود صناعي. انتشارات زوار.
4. محسني تبريزي، علي رضا (1374). بررسي ونداليسم در تهران. مؤسسه مطالعات و تحقيقات اجتماعي دانشگاه تهران.
5. محسني تبريزي، علي رضا (1379). "مياني نظري و تجريبي ونداليسم: مروري بر يافته هاي يك تحقيق". نامه علوم اجتماعي، شماره 16، پائيز و زمستان.
6. ويليامز، جان؛ دانينگ، اريك؛ و مورفي، پاتريك (1379). کندوکاوي در اوباشي گري در فوتبال". ترجمه و تلخيص حسن افشار. نشر مرکز.
7. Alderman, R.B. (1974) "**psychological Behavior in Sport**". Philadelphia: W.B.Saunders.
8. Argyle, Michael (1993). "**Bodily Communication**". Routledge.
9. Atkinson, Rita., Atkinson, Richard., Smith, Edward and Bom., Darly J. (1993). "**Introduction to psychology**". Harcourt Brace Jovanovich College Publishers.
10. Baenninger, Ronald (1991) "**Target of Violence and Aggression**". Elsevier Science Publishers B.V.North-Holland.
11. Baron, Robert and Byren, Donn (1993) "**Social Psychology: Understanding Human Interaction**". Allyn and Bacon.
12. Berkowitz, Leonard (1986) "**A Survey of Social Psychology**". CBS College Publishing.

13. Blanchard, Kendall (1985) "**The Anthropology of Sport**". Bergin and Garvey Publishers, Inc.
14. Brehm, Sharon S. and Kassir, Saul M. (1993) "**Social Psychology**". Houghton Mifflin Company.
15. Cashmore, Ellis (1998) "**Making Sense of Sports**". Routledge.
16. Coakley, Jay J. (1998). "**Sport in Society: Issues and Controversies**". McGraw-Hill Inc.
17. Collins, Barry E. (1970). "**Social Psychology**". Addison-Wesley Publishing Company.
18. Leonard, Willbert Marcellus (1988) "**A Sociological Perspective of Sport**". New York: Macmillan Publishing Company.
19. Lindgren, Henry Clay (1973). "**An Introduction to Social Psychology**". John Wiley and Sons.
20. Myers, David G. (1994): "**Exploring Social Psychology**". McGraw-Hill, Inc.
21. Russel, Gordon W. (1993). "**The Social Psychology of Sport**". New York: Springer – Verlag.
22. Smith, Peter B. and Bond, Michael Harris (1993). "**Social Psychology across Cultures: Analysis and Perspectives**". Harvester Wheat sheaf.
23. Schellenberg, James A. (1974). "**An Introduction to Social Psychology**". Random House, Inc.
24. Terry, Peter and Jackson, John J. (1985). "**The Determinants and Control of Violence in Sport**". Quest, 37(1).
25. Wiggins, James A., Wiggins; Beverly B. and Vander, Zanden James (1994). "**Social Psychology**". McGraw-Hill, Inc.

